«خاموشی ما را بیشتر از سخن مردم می‌شناسد»؛ گزارشی از زندان شماره ۲ شهر سنگ‌آباد

(گزارش ویژه‌ی روزنامه‌ی کرانه‌ی سفید)

سنگ‌آباد – ۹ مهر ۱۴۰۳: زندان شماره ۲ سنگ‌آباد از بیرون شبیه انبار بزرگی است با دیوارهای بلند و سیم‌خاردار. اما کسانی که سال‌ها در آن زیسته‌اند می‌گویند این زندان چیزی را از زندانی‌اش می‌گیرد که از سنگ و آهن ساخته نشده: زبان. در این گزارش، ۱۲ زندانی سابق و ۴ نگهبان بازنشسته درباره‌ی سکوت اجباری، تلفن‌های قطع‌شده و روزهایی سخن می‌گویند که مردم از ترس حرف نمی‌زدند.

سکوت به دستور، فریاد بی‌صدا

بر اساس آیین‌نامه‌ی داخلی زندان شماره ۲، زندانی حق دارد هفته‌ای دو تماس تلفنی با خانواده برقرار کند. در عمل، این حق روی کاغذ است. در واقع، بسیاری از بندها ماه‌ها تلفن ندیده‌اند. «نگهبان می‌گفت خط خراب است، اما همان روز صدای خنده‌ی مردی را شنیدم که به پسرش وعده می‌داد به خانه برگردد و گربه‌ی خانه را نگه دارد»، این جمله را یکی از زندانیان سابق برای ما خواند. سکوت دستوری است، اما فریاد مردم را نمی‌توان بست.

۱۲ زندانی سابق: ما با سکوت زندگی کردیم

در این گزارش ۱۲ زندانی سابق از ۷ تا ۱۹ سال حبس در زندان شماره ۲ سنگ‌آباد سخن گفته‌اند. همه خواستند نام کوچک و محل سکونت‌شان تغییر کند. یکی از آنان معلم بود و دیگری کارگر ساختمانی. همه گفتند نخستین درس زندان این است که صدا را پایین بیاور تا دیده نشوی. این درس، به گفته‌ی آنان، از هر کتابی مهم‌تر است.

۴ نگهبان بازنشسته: ما هم زندانی بودیم

۴ نگهبان بازنشسته که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در زندان شماره ۲ کار کرده‌اند گفته‌اند که سکوت فقط برای زندانی نیست. یکی از آنان گفت: «وقتی هر روز همان راهرو را می‌روی و همان صدا را می‌شنوی، زندان به تو هم سرایت می‌کند. من هم زندانی بودم، فقط کلیدم را در جیبم داشتم.» این نگهبان می‌گوید ۲ بار به خانواده‌اش هشدار داده شده که اگر درباره‌ی زندان حرف بزند، مجوز کارش لغو می‌شود. او نام کامل خود را نخواست و گفت «ترس من هنوز هست، چون هنوز در همان شهر زندگی می‌کنم».

تلفن قطع، نامه توقیف: راه‌های کوچک برای دیده شدن

زندانی سابق، مرد ۴۱ ساله‌ای که ۶ سال در بند ۷ بود، گفت نخستین کاری که زندان با او کرد نه کتک بود و نه شکنجه، بلکه قطع تلفن بود. او گفت ۳ بار تلفن خانه‌اش قطع شد و هر بار که اعتراض کرد، ۱۰ روز از مرخصی‌اش کم شد. زن او ۱۸ نامه فرستاد و ۶ تای آن رسید. دخترش در کلاس اول بود و معلم از او پرسید چرا پدرش نمی‌آید. این پرسش، به گفته‌ی او، سخت‌تر از هر شلاق بود.

۲۰۰۰ نامه در یک سال: آمار که حرف می‌زند

بر اساس گزارش داخلی زندان شماره ۲ در سال ۱۴۰۱، ۲۰۰۰ نامه ثبت شد و ۶۳۰ تای آن توقیف شد. ۴۱۰ تماس تلفنی برقرار شد و ۹۲ تماس به دلیل «نقض مقررات» قطع شد. این آمار را یک کارشناس حقوقی بازنشسته که سال‌ها با زندان‌ها همکاری کرده، «کم‌ترین آمار ممکن» می‌داند. او گفت ثبت هر نامه و هر تماس کار اداری است و توقیف آن تصمیم سلیقه‌ای. این تفاوت، به گفته‌ی او، نشان می‌دهد سکوت نه قانون، بلکه عادت است.

زنان زندان شماره ۲: صدا در راهرو

زندان شماره ۲ بخش جداگانه‌ای برای زنان دارد با ۴۰ زندانی در سال ۱۴۰۲. زندانی سابق، زن ۳۰ ساله، گفت صدای کفش نگهبان زن با صدای مردها فرق دارد و همین فرق باعث می‌شود زندانی زودتر سر بلند کند. او گفت یک روز تلفن را برای دخترش برداشت و صدایش را شنید و قطع کرد. او گفت «ترسم از نگهبان نبود، ترسم از این بود که دخترم فکر کند من فراموشش کرده‌ام». این جمله در گزارش ۳ بار تکرار شده است.

غذا، دارو و سکوت: سه خط قرمز که کمتر گفته می‌شود

سه موضوع که کمتر در گزارش‌ها آمده، غذا، دارو و سکوت است. زندانی سابق گفت سهمیه‌ی غذا گاهی کم می‌شود و دارو با تأخیر می‌رسد. سکوت هم دستور است و هم عادت. نگهبان بازنشسته گفت برخی زندانی‌ها خود از دیگران می‌خواستند آرام بمانند تا «کار خراب نشود». این درخواست، به گفته‌ی او، از ترس است نه از مهربانی.

پیامدها: آزادی با زخم‌های پنهان

زندانی سابق که ۲ سال پس از آزادی درباره‌ی زندان شماره ۲ گزارش داد، گفت مشکل او با خاطره‌ها شروع شد. او گفت شب‌ها صدای در آهنی را می‌شنید و بیدار می‌شد. همسرش گفت او کمتر حرف می‌زد و بیشتر به دیوار نگاه می‌کرد. این پیامدها در پرونده‌ها ثبت نمی‌شود و آمار رسمی آن‌ها را نشان نمی‌دهد. روان‌شناس بازنشسته‌ای که با ۳ زندان همکاری کرده، گفت ۶ ماه اول پس از آزادی حساس‌ترین دوره است.

پاسخ زندان: آمار درست است، تفسیر متفاوت

مدیر زندان شماره ۲ سنگ‌آباد در گفت‌وگو با «کرانه‌ی سفید» گفت آمار ارائه‌شده «با سامانه‌ی داخلی زندان مطابقت دارد» و زندان «تلاش می‌کند حق تلفن را رعایت کند، اما امنیت هم مهم است». او گفت ۴۱۰ تماس در سال ۱۴۰۱ برای زندانی به معنای ۲۰۵ خانواده است که با زندان در تماس‌اند و این رقم برای یک زندان ۱۲۰۰ نفری «قابل قبول» است. او گفت ۹۲ تماس قطع‌شده «در موارد تخلف» بوده و هر مورد بررسی شده است. او گفت ۶۳۰ نامه توقیف‌شده «بیشتر شامل تهدید و توهین بود» و زندان «نمی‌خواست پرونده‌ها پر شود». او گفت زندان آمادگی دارد جلسه‌ای با خانواده‌ها برگزار کند و پیشنهاد داد دفتر حقوقی زندان ۲ روز در هفته پاسخ‌گوی تلفن باشد.

۱۲ زندانی سابق: ما با سکوت زندگی کردیم

در این گزارش ۱۲ زندانی سابق از ۷ تا ۱۹ سال حبس در زندان شماره ۲ سنگ‌آباد سخن گفته‌اند. همه خواستند نام کوچک و محل سکونت‌شان تغییر کند. یکی از آنان معلم بود و دیگری کارگر ساختمانی. همه گفتند نخستین درس زندان این است که صدا را پایین بیاور تا دیده نشوی. این درس، به گفته‌ی آنان، از هر کتابی مهم‌تر است.

۴ نگهبان بازنشسته: ما هم زندانی بودیم

۴ نگهبان بازنشسته که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ در زندان شماره ۲ کار کرده‌اند گفته‌اند که سکوت فقط برای زندانی نیست. یکی از آنان گفت: «وقتی هر روز همان راهرو را می‌روی و همان صدا را می‌شنوی، زندان به تو هم سرایت می‌کند. من هم زندانی بودم، فقط کلیدم را در جیبم داشتم.» این نگهبان می‌گوید ۲ بار به خانواده‌اش هشدار داده شده که اگر درباره‌ی زندان حرف بزند، مجوز کارش لغو می‌شود. او نام کامل خود را نخواست و